



عنوان مقاله:

«وظایف فردی، فرهنگی و اجتماعی منتظران ظهور»

پژوهشگر:

«آرمین رشیدی»

استاد راهنما:

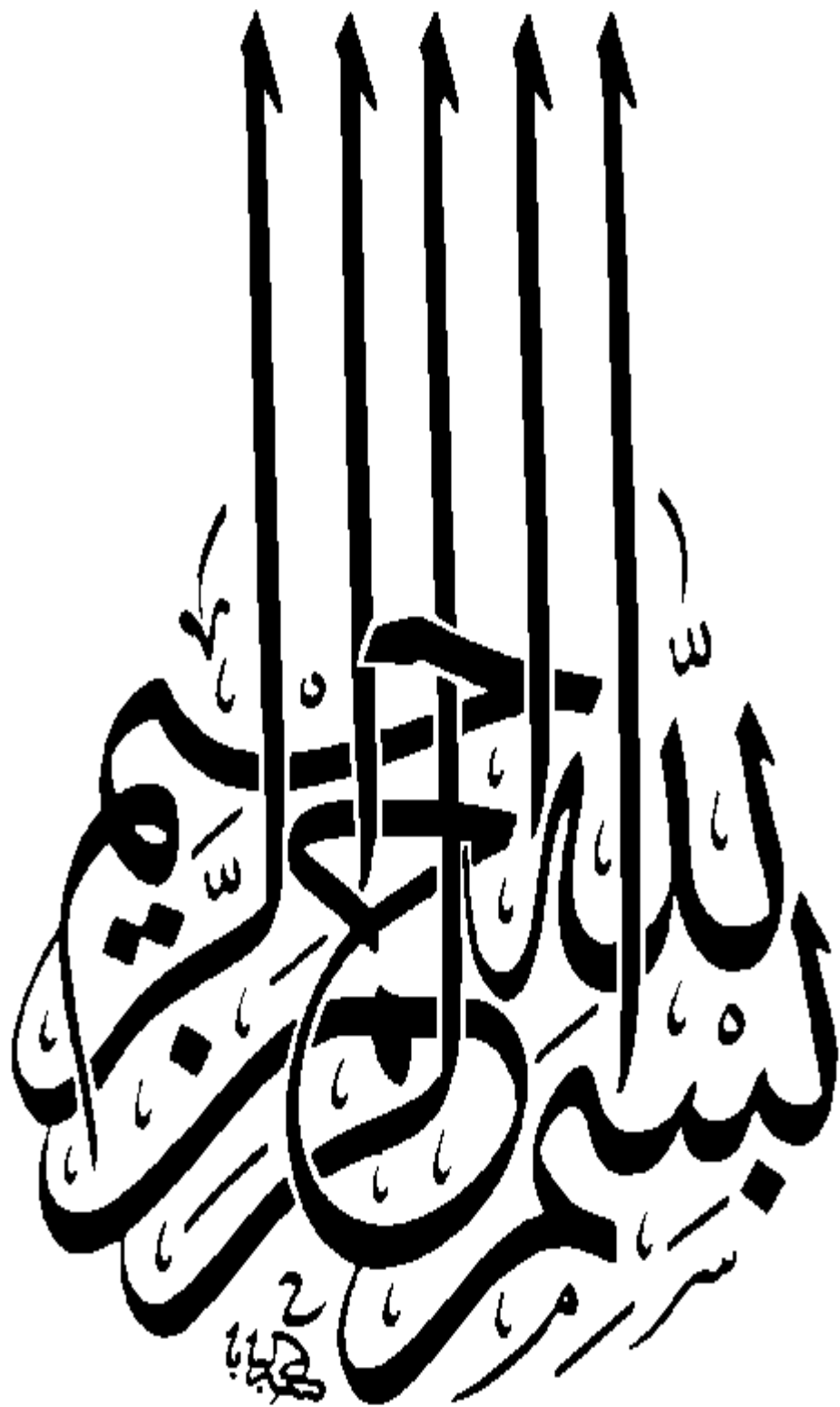
«حجه الاسلام و المسلمین قضایی»

مقطع تحصیلی:

«پایه دوم»

شماره پرونده:

«۹۳۴۱۹»



عنوان مقاله: وظایف فردی، فرهنگی و اجتماعی منتظران ظهور

پژوهشگر: آرمین رشیدی

استاد راهنما: حجه الاسلام والمسلمین قضایی

چکیده:

از آن جایی که اعتقاد به خدا و دینش داریم همواره باید به دنبال این باشیم که این خدا از ما چه میخواهد و میخواهد ما به کجا برسیم. بعد از آنکه به اصول و فروعش پی بردیم باید درصدد عمل به آن برآییم با کمی دقت در اصول دین به کلمه بر میخوریم به نام امامت یقیناً این دین با این همه عظمت وظایفی را در مورد آن برای ما ترسیم کرده و اکنون که دنیا تشنه یک مصلح کل است و ما مدعیان واقعی باید نسبت به انجام این وظایف کوشا و نسبت به آنان آگاهی پیدا کنیم.

کلید واژه:

انتظار، امام زمان، فرهنگ، اجتماع، منتظران، وظایف

۵	مقدمه:
۷	فصل اول
۷	کلیات
۷	گفتار اول: آشنایی با واژه های انتظار، منتظر، منتظر، منتظر.....
۷	1. انتظار:
۸	انواع انتظار:
۱۰	گفتار دوم: آشنایی اجمالی با موعود اسلام
۱۳	غیبت صغری:
۱۴	جان‌شیران غیبت کبری:
۱۵	ملاقات با امام زمان در غیبت کبری.....
۱۵	طولانی بودن عمر امام زمان علیه السلام.....
۱۶	گفتار سوم: غیبت و ظهور امام زمان علیه السلام.....
۱۶	غیبت:
۱۸	فوائد غیبت.....
۱۹	ظهور.....
۱۹	فصل دوم
۱۹	فرهنگ و اجتماع از منظر اسلام.....
۱۹	گفتار اول: تعریف فرهنگ.....
۲۰	مقصود از فرهنگ:
۲۳	گفتار دوم: تعریف اجتماع از منظر اسلام.....
۲۶	فصل سوم
۲۶	وظایف فردی، فرهنگی و اجتماعی منتظر.....
۲۶	گفتار اول: وظایف فردی.....
۳۴	گفتار دوم: وظایف فرهنگی.....
۳۹	گفتار سوم: وظایف اجتماعی.....
۳۹	الف- وظایف اجتماعی زمینه سازی ظهور در حیطه مردمی.....
۴۶	فصل چهارم

نتیجه گیری..... ۴۶.....

منابع و مأخذ..... ۴۷.....

مقدمه:

اکنون در عصری زندگی میکنیم که تمام وجود عالم را گرد و غباری از غفلت گرفته است البته غفلتی از روی آگاهی چرا که همه میدانند دنیا منتظر است یا حتی بعضی میگویند پس کی این خورشید عالم فروز طلوع میکند؟ حال چه باید کرد، وظایفمان چیست؟ مایی که میخواهیم این غفلت را بزدایم باید چه کنیم؟

این که باید چه کنیم نیاز به مطالعات و تلاش های مجاهدانه ای دارد که باید همه به دنبالش باشیم، اما نکته ای که قابل توجه است، این است که در خود این میل ایجاد شود که باید کاری کرد تا این آب زلال را که میخواهند در اختیارمان قرار بدهند گِل نکنیم.

آری این نعمت چیزی جز ولایت نیست که فرمود: «و لم یناد بشیءٍ مثل ما نودی بالولایه»^۱

شناساندن نعمت حضرت ولی عصر علیه السلام قدر شناسی از ان را به دنبال دارد و مردم و اجتماع و بالاخص جامعه ای که قدر دان باشد مرهون لطف حضرت حق قرار میگیرد. که «لئن شکرتم لازیدنکم»^۲ ما اگر این نعمات را بشناسیم و وظایفمان را که تبیین شده به درستی انجام دهیم حتما به آن وعده الهی که فرج و گشایش است دست خواهیم یافت.

در زیارت جامعه میخوانیم: «ان ذکر النخیر کنتم اوله و اصله و فرعه و معدنه و مأواه و متتها»^۳

الکافی ج ۲ ص ۱۸^۱

ابراهیم آیه ۷^۲

بحار الانوار ج ۱۰۲ ص ۱۳۲^۳

اگر از خیری یاد شود، شما (اهل بیت) ابتدای آن و ریشه و شاخه آن، و سرچشمه و پناهگاه و انتهای آن هستید.

امام و معرفت ایشان سرچشمه خیر کثیری است که خداوند با اهدای آن بر بندگان منت گذارده و آن را از بقیه نعمت‌ها بزرگ‌تر خوانده است.

در برخی روایات، معرفت خداوند به معرفت امام تعبیر شده است. امام حسین علیه السلام در پاسخ «ما معرفه الله؟» فرمودند: «معرفه اهل کل زمان امامهم الذی یجب علیهم طاعته»^۱ یعنی شناختن امام زمان خود است که اطاعت او بر ایشان واجب است.

پس با این وجود شناخت امام ما را به شناخت خدای متعال میرساند «لولا هم ما عرف الله» اگر اینان نباشند معرفت نسبت به خدا نیز حاصل نمیشود. بنابراین امامت است که رشته اتصال ما به خداست همانطوری که فرمود: «و ابتغوا الیه الوسیله»^۲

حال که ما از این انوار مقدسه به دور بودیم و فقط خدای متعال یکی از آن‌ها را برای ما ذخیره کرده شایسته است هم او را بشناسیم و هم کاری کنیم که او بیاید و این آمدن نیز با حرف نمیشود چرا که «به عمل کار برآید به سخنرانی نیست»

باید دست‌ها را به دعا برداشت و گفت که ای صاحب ما از تو میخواهیم که بایک نظر کیمیایی خودت ما را در مقام عمل قرار ده تا نعمت، بر ما تمام شود «و اتمم نعمتک بتقدیمک ایاه أماننا... وانظر الینا نظره رحیمه، نستکمل بها الکرامه عندک»^۳

خدایا با پیشوا قرار دادن مهدی علیه السلام نعمت را بر ما تمام کن... و با دیده ی رحمت به ما بنگر تا بزرگی و کرامت نزد تو را، برای خود بدست آوریم.

^۱ بحار الانوار ۲۳ ص ۸۳

^۲ مائده آیه ۳۵

^۳ مفاتیح الجنان، دعای ندبه

فصل اول

کلیات

گفتار اول: آشنایی با واژه های انتظار، منتظر، منتظر

۱. انتظار:

انتظار در لغت به معنای چشم داشتن و چشم به راه بودن است.^۱

این واژه از ریشه (ن ظ ر) گرفته شده و در معنا مشابه اصل خود است و آن عبارت است از تأمل

یک چیز و چشم داشتن به آن [تأمل الشئ بالعین و كذلك النظران]^۲

در برخی از کتب لغوی واژه های دیگری تعبیر شده که به اختصار اشاره میشود:

۱. أن الانتظار طلب ما يقدر النظر اليه و يكون في الخير و الشر و يكون مع شك و يقين و ذلك أن الانسان

يانتظر طعاما يعمل في داره و هو لا يشك أنه يحضر له، و ينتظر قدوم زيد غدا و هو شاك فيه.^۳

۲. إذا ارتقبت حضوره^۴

۳. المكث^۵

۴. الترنيق^۱

^۱ فرهنگ معین ص ۱۲۶

^۲ الصحاح ج ۱ ص ۱۳۸

^۳ فروق اللغة ص ۶۶

^۴ تاج العروس ج ۷ ص ۵۳۹

^۵ العين ج ۵ ص ۳۵۳، لسان العرب ج ۲ ص ۱۱۹

بعد از آنکه با معنای انتظار آشنا شدیم باید به عناصر تشکیل دهنده آن نیم نگاهی به انواع انتظار داشته باشیم تا معلوم باشد ما چه نوع انتظاری را میخواهیم تعریف کنیم. انتظار میتواند برای هر رخدادی در آینده باشد اما انتظار فرج و گشایش یکی از مهم ترین و در عین حال رایج ترین انواع انتظار است. انتظار «موعود» نیز یکی از مصادیق بارز انتظار فرج محسوب میشود.

بسیاری از انتظارها را میتوان در مقوله ی انتظار فرج قرار دارد. انتظار رسیدن زمان یک ملاقات یا یک کار ارزشمند، انتظار شنیدن یک پاسخ مطلوب، یا دیدن یک فرد محبوب، همه مانند انتظار گشایش یک گره، نوعی فرج به حساب آمده و در منظومه انتظار فرج قرار میگیرند.^۲

انواع انتظار:

۱. انتظار منفی و ویرانگر:

در این نگرش، انتظار عامل عقب ماندگی است و منتظران از هر کوششی دست میکشند و در برابر زور و فشار و ظلم و فساد سکوت میکنند. حتی به این باور می رسند که می بایست به گسترش جور و فساد کمک کنند و یا نسبت به آن بی تفاوت باشند تا تمام دنیا پر از تباهی گردد. و ظهور حضرت حجت علیه السلام نزدیک شود.

چنین اندیشه ای باعث انزوا و دوری از عرصه سیاست و گاهی ابزار دست حکومت های جور برای انحراف اذهان و سوء استفاده از افکار مهدی باوری بوده است.

به نظر شهید مطهری: ((انتظار ویرانگر، برداشت قشری از مهدویت و قیام مهدی موعود علیه السلام است. به طوریکه برخی گمان میکنند قیام حضرت صرفاً ماهیت انفجاری دارد و تنها به دنبال گسترش و رواج ظلم، تبعیض و تباهی ها شکل می گیرد.)) [قیام و انقلاب مهدی ص ۶۲]^۱

^۱ لسان العرب ج ۱۰ ص ۱۲۸

^۲ انتظار عامیانه، عالمانه، عارفانه ص ۸۵

۲. انتظار مثبت و سازنده:

بر این اساس، انتظار همیشه جنبش آفرین و سرچشمه قیام و مقاومت و ایثار و حرکت می باشد و حالت سستی ندارد. زیرا منتظر می تواند با تلاش و زمینه سازی خود، فرج و گشایش را نزدیک کند و امکانات و بسترهای فرهنگی، نظامی، سیاسی و اجتماعی آن را فراهم سازد.

پس «انتظار ظهور مهدی موعود» منشأ خمودگی و رکود جامعه نیست و عدم تحقق آن تا امروز، موجب دلسردی و یأس نمیشود. زیرا در روایات متعددی بیان شده که دوران غیبت، دوره امتحان و آزمایش مردم است. باید تلاش کرد تا با تقویت باورها و اعتقادات در مقابل سختی های زمان غیبت مقاومت کرد و در عین حال، خود را برای ظهور و شرکت در قیام امام زمان علیه السلام آماده ساخت.^۲

۲. منتظر:

اسم فاعل از ماده (ن ظ ر) به معنای کسی که انتظار آمدن شخصی را میکشد.

انسان منتظر باید مانند حالت تجافی باشد، همان حالتی که در نماز جماعت هنگام تشهد انسان میماند.

به این نحو که انسان منتظر یک حالت بریدگی از این عالم دنیا دارد. یعنی در دنیا به صورت نیم خیز نشسته، همین که ندای آسماتی به گوشش رسید که ((یا اهل الهدی اجتمعوا))^۳ از سر سفره ی جهان برخیزد و خود را به امام زمانش برساند. این انسان منتظر است.

امام سجاد علیه السلام نیز در شب ۲۷ ماه مبارک رمضان از سر شب تا به صبح این ذکر را زیاد میخواندند: ((اللهم الرزقنی التجافی عن دار الغرور والینابه الی دار الخلود و الإستعداد للموت قبل حلول الفوت)) [مفاتیح الجنان، اعمال شب ۲۷ ماه رمضان]^۴

^۱ مهدویت ص ۲۰۰

^۲ مهدویت ص ۲۰۰

^۳ بحار الانوار ج ۵۳ ص ۸۴

^۴ آماده باش یاران امام زمان ص ۲۴ و ۲۵

((منتظر، انسان مسلمان متعهدی است که هر لحظه انفجار قطعی نظام‌های ضدانسانی را انتظار می‌کشد و همواره خود را برای شرکت در چنین انقلاب جهانی و بدر دومی آماده می‌کند که با شمشیر علی(ع) و زره پیغمبر (ص) و به دست فرزند این دو برپا می‌شود.

فرهنگ انتظار و مهدویت، فرهنگ تلاش مستمر، با برنامه و خستگی‌ناپذیر و حرکت در مسیری هدف‌مند است و به طور منظم برای شناخت ارزش‌ها و باورها و مشخص کردن اهداف، سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و اجرای آنها هم‌راه با نظارت و کنترل تلاش می‌کند و زمینه‌های ظهور منجی عالم و رشد و تکامل پایدار انسان و جامعه را فراهم می‌سازد.^۱

۳. منتظر:

اسم مفعول از ماده (ن ظ ر) به این معنا کسی که مورد انتظار است و شخصی یا عده ای انتظار آمدنش را میکشند. و آن شخصی نیست جز وجود نازنین حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف.

البته در مورد حضرت هم میتوان واژه منتظر را به کار برد، چون خود حضرت نیز انتظار ظهور و فرجش را میکشد. بعضی از بزرگانی که خدمت حضرت میرسیدند حضرت به آنان میفرمودند: «که به شیعیان ما بگویید برای فرج من دعا کنند حتی خدا را به عمه جانم زینب سلام الله علیها قسم بدهند که فرج من را نزدیک کند.»

گفتار دوم: آشنایی اجمالی با موعود اسلام:

حضرت مهدی علیه السلام دوازدهمین پیشوای معصوم، بنابر نظریه مشهور، سحرگاهان پانزدهم شعبان سال ۲۵۵ (ه. ق) در سامراء متولد شد.

^۱ به سوی حکومت جهانی امام مهدی ص ۶۸

او هم نام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم (م ح م د) و هم کنیه آن حضرت یعنی ابوالقاسم است.

از جمله لقب های او، حجت، قائم، خلف صالح، صاحب الزمان و بقیه الله به شمار می آید اما مشهورترین آن ها مهدی علیه السلام است. پدر بزرگوارش، حضرت امام حسن عسکری علیه السلام و مادر گرامیش نرجس خاتون است که او را «سوسن»، «ریحانه» و «صقیل» نیز نامیده اند.^۱

امام زمان علیه السلام زمانی تولد یافت که عباسیان حاکم بر سامراء و بغداد، زندگی امام حسن عسکری علیه السلام را کنترل کرده و برای یافتن آخرین حجت الهی و نابودی او سخت می کوشیدند از این رو تولد آن حضرت، بسیار مخفیانه و معجزه آسا صورت گرفت. البته برخی وکلای امام عسکری علیه السلام و شیعیان و خدمتگزاران مطمئنش، از این تولد آگاهی داشتند. مانند محمد بن عثمان عمری، محمد بن اسماعیل بن موسی بن جعفر علیه السلام حکیمه خاتون دختر امام جواد علیه السلام ابو علی بن مطهر، عمرو اهوازی و ابو نصر طریف

آری! یازدهمین پیشوای معصوم علیه السلام در فرصت های مناسب، فرزند و جانشین خود را به دیگران می نمایاند و به آنان معرفی می کرد. چنان که وقتی محمد بن عثمان عمری با چهل نفر دیگر از شیعیان به حضور امام حسن عسکری علیه السلام شرفیاب شدند، آن حضرت، مهدی علیه السلام را به آنان نشان داد و فرمود: «این، پس از من، امام شما و جانشین من بین شما است.

با وجود این، حضرت حجت علیه السلام پس از ولادتش همچنان پنهان می زیست تا آن که امام حسن عسکری علیه السلام در سال ۲۶۰ (ه. ق) یعنی ۲۸ سالگی با دسیسه معتمد عباسی، مسموم و شهید شد و حضرت صاحب الزمان علیه السلام به امامت رسید.

ابوالادیان می گوید: ((من از خدمتگزاران امام حسن عسکری علیه السلام بودم و نامه های او را به مناطق مختلف می بردم. روزی آن حضرت به من نامه هایی داد و فرمود: «این ها را به «مدائن» ببر، تا

^۱ سیره پیشوایان ص ۶۶۵ و ۶۶۶

پانزده روز در سامراء نخواهی بود، پس از آن وقتی برگردی خواهی یافت که ناله و شیون از خانه من بلند است و جسد من را در محل غسل گذاشته اند.»))

گفتم: سرورم! اگر چنین شود، چه کسی پس از شما امام است؟

فرمود: «هر کس بر جنازه ام نماز بخواند»

گفتم: «نشانه دیگری ذکر بفرمایید»

فرمود: «هر کس از آن چه میان همیان است خبر دهد.»

ابهت امام علیه السلام آن چنان بود که دیگر نتوانستم از او بپرسم مقصودشان از این نشانه چیست نامه های آن حضرت را به «مدائن» بردم و پاسخشان را گرفتم. پس از پانزده روز وقتی به سامراء وارد شدم به خانه امام علیه السلام آمدم، ناگاه صدای ناله و شیون از آن جا شنیدم و دیدم برادرش جعفر (کذاب) کنارخانه نشسته است و برخی شیعیان، شهادت امام علیه السلام را به او تسلیم و به امامت رسیدش را تبریک می گویند.

از این موضوع در شگفت شدم زیرا من با چشمانم دیده بودم جعفر، شراب می خورد، قمار بازی می کرد و اهل تار و طنبور بود به هر حال من نیز جلو رفتم و شهادت برادرش را به او تسلیم و پیشوائیش را تبریک گفتم اما او چیزی از من نپرسید. ناگاه «عقید» خادم حضرت عسکری علیه السلام حاضر شد و به جعفر گفت: جنازه برادران را کفن کردند بیایید بر آن نماز بگذارید.

جعفر، همراه برخی شیعیان وارد خانه شدند جسد پاک امام حسن عسکری علیه السلام، میان تابوتی در حیات خانه بود. جعفر پیش رفت تا بر جنازه مطهر امام علیه السلام نماز بخواند.

وقتی خواست تکبیر بگوید ناگاه کودک گندم گون و سیاه موی که دندان های پیشینش قدری از هم فاصله داشت، ظاهر شدف جعفر را کنار زد و گفت: «عمو کنا برومن باید بر پدرم نماز بخوانم» او با چهره ای درهم کشیده کنار رفت و آن کودک بر پیکر پاک امام علیه السلام نماز خواند و او را در خانه اش، جوار قبر امام هادی علیه السلام دفن فرمود.

ابو الأدیان در ادامه می گوید: آن کودک به من رو زد و فرمود: «ای مرد بصری پاسخ نامه هایی را که همراهت است بده» آن ها را به او دادم و با خود گفتم: اینها یعنی (اقامه نماز بر جسد پاک امام حسن عسکری علیه السلام و درخواست پاسخ نامه ها) دو نشانه امامت اوست و منتظر ماندم تا نشانه دیگر یعنی خبر دادن از آن چه میان همیان است را نیز بیابم.

نزد جعفر آمدم، دیدم داد می کشد و فریاد می کند

شخصی به نام «حاجظ و شاء» به جعفر گفت: آن کودک چه کسی بود؟

جعفر گفت: «والله تا به حال او را ندیده ام و نمی شناسم.» در این اوضاع، گروهی از قمی ها آمدند وقتی دانستند، یازدهمین امام معصوم علیه السلام به شهادت رسیده است. پرسیدند: «جانشین او کیست؟»

برخی گفتند: «جانشین او جعفر است» آنان به او سلام کردند و تسلیت و تهنیت گفتند از او پرسیدند ما نامه ها و پول هایی آورده ایم بفرمایید: «نامه را چه کسانی نوشته اند و پول ها چقدر است؟»

جعفر، از پاسخ درماند و برآشفته حال برخاست و گفت: «اینان علم غیب از ما می خواهند» ناگاه خادمی از خانه بیرون آمد و به قمی ها گفت: «نامه ها از فلان کس و فلان کس است و در همیان نیز هزار دینار وجود دارد که ده تایی آن ها را زرانمود کرده اند.» آن مردم وقتی پاسخ پرسش هایشان را صحیح و دقیق یافتند، گفتند: «نامه ها و همیان پول را به تو می دهیم تا به آن کسی که تو را برای گفتن آن ها فرستاده است (یعنی حضرت مهدی علیه السلام) تحویل دهی زیرا او امام ما است.^۱

غیبت صغری:

حضرت مهدی علیه السلام پس از ولادتش دو بار غایب شد که آن ها را غیبت صغری و غیبت کبری گویند.

غیبت صغرای ولی عصر علیه السلام با به شهادت رسیدن امام حسن عسکری در سال ۲۶۰ (ه. ق) آغاز شد و تا سال ۳۲۹ (ه. ق) ادامه یافت.

^۱ حیات فکری سیاسی امامان شیعه بخش زندگی امام زمان علیه السلام

امام زمان علیه السلام در دوران غیبت صغری توسط چهار نفر از نایبان خاصش که به نواب اربعه یعنی نایبان چهارگانه معروفند با مردم ارتباط داشت و به امور آنان رسیدگی می کرد. این چهار نفر عبارت بودند از:

۱. عثمان بن سعید عمری

۲. ابو جعفر محمد بن عثمان بن سعید عمری

۳. ابوالقاسم حسین بن روح

۴. ابو الحسن علی بن محمد سمري

مهم ترین تحول و رخ داد دوره نیابت «ابو الحسن علی بن محمد سمري» نوشتن توقیعی از جانب حضرت صاحب الزمان علیه السلام به او بود که در آن فرموده است:

بسم الله الرحمن الرحيم

ای علی بن محمد سمري! خداوند در فقدان تو به برادرانت پاداش بزرگی عطا فرماید، تو تا شش روز دیگر رحلت می کنی، کارهایت را سامان ده و هیچ کس را به جانشینی خود سفارش نکن اکنون زمان غیبت کبری فرا رسیده است و ظهور من فقط با اجازه خدا خواهد بود آن هم از مدتی طولانی صورت می گیرد که در آن مردم، بسیار سخت دلند و سرزمین پر از بیدادگری است کسانی، نزد شیعیان ما ادعا می کنند که مرا می بینند. هر کس پیش از خروج سفیانی و صیحه آسمانی چنین ادعایی بکند، دروغگویی بیش نیست.^۱

جانشینان غیبت کبری:

در غیبت کبری، فقیهان با تقوا، عادل و مدیر و مدبر نایبان عام و جانشینان امام مهدی علیه السلام بین مردم به شمار می آیند و مرجعیت دینی و رهبری آنان را بر عهده دارند و چنان که خود آن حضرت نیز در

^۱ الغیبه ص ۲۳۴

حدیثی بر این نکته تصریح فرمودند: **أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ**^۱

وجود امام زمان علیه السلام در این عصر بسان خورشید پشت ابر است یعنی پنهان بودن او موجب نمی شود به عالم هستی سود نرساند بلکه آن حضرت حتی در پس پرده غیبت امام زمین و موجب برکت برای اهل آن است.

ملاقات با امام زمان در غیبت کبری:

این موضوع، کار ممکن است هر چند ادعای ملاقات با آن حضرت را از هر کس نمی توان پذیرفت اما در این عصر به اذن خداوند بزرگ و توجهات امام زمان علیه السلام کسانی به حضور آن حضرت شرفیاب شده اند^۲ البته ارتباط با حضرت ولی عصر از راه های دیگر برای عموم مردم ممکن است این کار را می توان از طریق قرائت دعاهایی مانند دعای ندبه، عهد و ... انجام داد زیارت اماکن منسوب به امام زمان علیه السلام راه دیگری برای ارتباط با او است مانند مسجد سهله، مسجد کوفه و سرداب مقدس در عراق و مسجد حضرت صاحب الزمان معروف به مسجد جمکران قم در ایران.^۳

طولانی بودن عمر امام زمان علیه السلام:

عمر مبارک آن حضرت در غیبت کبری بسیار طولانی است و این موضوع عقلاً محال نیست و به لحاظ علمی نیز ممکن به شمار می آید علاوه بر این افراد بسیاری در امتداد تاریخ زندگی بشر عمر طولانی داشته اند مانند حضرت نوح که امام صادق علیه السلام درباره او می فرماید: «نوح ۲۳۰۰ سال زندگی کرد، ۸۵۰ سال پیش از آن که به پیامبری برانگیخته شود و ۹۵۰ سال میان قومش به هدایت آنان پرداخت و ۵۰۰ سال هم پس از آن که کشتی اش به خشکی نشست و آب در زمین فرو رفت آن گاه شهر

^۱ وسائل الشیعه ج ۲۷ ص ۱۴۰

^۲ الامام المهدي، من المهد الى الظهور، ص ۳۰۳ به بعد

^۳ مکمال المکارم ج ۲ ص ۳۱۴

ها را ساخت و فرزندانش در شهرها ساکن شدند از دیگر کسانی که عمر طولانی داشته اند مانند: حضرت سلیمان بن داود ۷۱۲ سال، شداد بن عامر ۹۰۰ سال و ...^۱

گفتار سوم: غیبت و ظهور امام زمان علیه السلام

پیش از پرداختن به اسباب و علل غیبت امام مهدی (عج) باید توجه داشت که از روایات استفاده می شود که علت و فلسفه واقعی غیبت آن امام بر بشر پوشیده است. و جز خدا و پیشوایان معصوم علیهم السلام کسی نسبت به آن اطلاع کافی و کامل ندارد.

عبد الله بن فضل هاشمی روایت کرده که از حضرت صادق (ع) شنیدم که فرمود: «صاحب الامر غیبتی دارد که ناچار از آن است، به طوری که اهل باطل در آن تردید می کنند. عرض کردم: یا بن رسول الله! چرا غیبت می کند؟ فرمود: به علتی که به ما اجازه نداده اند آشکار سازیم. عرض کردم: چه حکمتی در غیبت اوست؟ فرمود: همان حکمتی که در غیبت سفیران و حجتهای پیش از او بوده است، حکمت غیبت قائم ظاهر نمی شود مگر بعد از آمدن خود او؛ چنان که حکمت سوراخ کردن کشتی توسط خضر و کشتن آن بچه و تعمیر دیوار، برای حضرت موسی (ع) ظاهر نگشت، مگر موقعی که خواستند از هم جدا شوند.»^۲ این روایت و روایات دیگر مثل آن اشاره دارد که علت واقعی غیبت حضرت را نمی توان گفت، و اگر سبب و علتی هم بیان می گردد، اگر چه ممکن است حکمتی برای آن باشد، ولی علت کامل و حقیقی نیست.

غیبت:

اما بعضی از حکمت های غیبت حضرتش را که می توان با استناد به روایات ذکر نمود، بدین قرار است:

۱. امتحان و آزمایش:

غیبت آن حضرت سبب می شود تا نفاق پنهان عده ای آشکار شود و ایمان حقیقی محبان و شیعیان واقعی امام (ع) در کوره ولایت امام غایب (عج) از ناخالصی ها و دورویی ها و سست مایگی ها جدا و پاک

^۱ کمال الدین و تمام النعمه ج ۲ ص ۵۲۳

^۲ کمال الدین و تمام النعمه ص ۴۸۲

شود؛ و در یک کلام مؤمن از منافق معلوم می گردد. در سختی ها و مشکلات گوهر وجود شیعیان ناب آشکار می گردد.

جعفر جعفی می گوید: به امام باقر(ع) عرض کردم: فرج شما کی خواهد رسید؟ فرمود: «هیئات، هیئات! فرج نخواهد رسید تا شما غربال شوید، (و سه بار تکرار کرد) و افراد آلوده بروند و افراد پاک و مخلص باقی بمانند.

و نیز موسی بن جعفر(ع) فرمود: «هنگامی که پنجمین فرزند امام هفتم غایب شد، مواظب دین خویش باشید، تا مبادا کسی شما را از دین خارج کند... برای صاحب الامر به ناچار غیبتی خواهد بود، به طوری که عده ای از مؤمنین از عقیده خود برمی گردند؛ همانا خدا به وسیله غیبت، بندگانش را امتحان می کند.»^۱

۲. بیعت نکردن با ستمکاران:

در روایات متعددی یکی از علل غیبت امام علیه السلام عدم بیعت با کسی بیان شده است. حسن بن فضال می گوید: «علی بن موسی الرضا(ع) فرمود: گویا شیعیانم را می بینم که هنگام مرگ سومین فرزندم (امام عسگری) در جستجوی امام خود همه جا را می گردند، اما او را نمی یابند. عرض کردم: به چه دلیل؟ فرمود: زیرا امامشان غایب می شود، عرض کردم: چرا غایب می شود؟ فرمود: برای اینکه وقتی با شمشیر قیام نمود بیعت کسی در گردش نباشد»^۲

۳. ترس از گزند دشمنان :

گفته شد که با تولد مهدی موعود(عج) همه ستمگران و ظالمان به وحشت افتادند، و از آنجا که مرگ و انقراض حکومت ظالمانه و اعمال غیر انسانی خود را در دست پرتوان امام(ع) می دانستند و می دانند، لذا جان امام مهدی(عج) تهدید می شد؛ لذا در روایات یکی دیگر از علل غیبت حفظ جان حضرتش از تعرض و گزند دشمنان ذکر شده است.

زراره بن اعین از امام صادق(ع) روایت کند که فرمود: «از جان خود بیم و ترس دارد و حضرت با دست به شکم خود اشاره کرد.»^۳

البته بدیهی است وجود مقدس حضرت(عج) نیز مانند پدران بزرگوارش از کشته شدن در راه خدا هراسی ندارد، ولیکن اراده الهی به حفظ امام تعلق گرفته است.

^۱ بحار الانوار ج ۵۱ ص ۱۱۳

^۲ بحار الانوار ج ۵۱ ص ۱۵۲

^۳ کمال الدین و تمام النعمه ص ۳۴۲

فوائد غیبت:

۱. فایده وجود امام، منحصر به ظهور و قیام او در آخرالزمان و این که ظاهراً هم در کارها تصرف و دخالت داشته باشد نیست، بلکه یکی از فواید وجود امام، امان خلق از فنا و زوال به اذن خدا، و همچنین بقای شرع و حفظ حجت ها و بینات خدا است.
- کما این که در روایتی از امام علی(ع) نقل شده است: «اللهم بلی لاتخلو الارض من قائم لله بحجه إما ظاهراً مشهوراً أو خائفاً مغموراً لئلا تبطل حجج الله و بیناته» یعنی خدایا! آری خالی نماند زمین از کسی که قائم باشد از برای خدا به حجت، یا ظاهر و آشکار، یا پنهان، تا حجت های خدا و بینات او از میان نرود.^۱
- از طرفی وقتی فرد مؤمن در بین مردم منشأ خیرات و برکات و سبب نزول و جلب کننده عنایات خاص و دفع کننده بلایات است، پس وجود امام که ولی الله الاعظم و حجت خدا است فوائد و برکاتش بسیار عظیم و با اهمیت تر از یک فرد مؤمن است.
۲. ما قطع نداریم که آن حضرت از جمیع اولیاء و دوستان خود پنهان باشد و در اموری که مصلحت باشد به توسط آنها و تأیید و ارشاد آنها دخالت ننمایند.
۳. آنچه مسلم است این است که در عصر غیبت، آن حضرت از نظرها پنهان است و این به معنی آن نیست که مردم نیز از آن حضرت پنهان هستند. بلکه چنانچه از برخی اخبار استفاده می شود آن حضرت در ایام حج حاضر می شوند و حج به جا می آورند، با مردم مصاحبت نموده و در مجالس حاضر می شوند و از بیچارگان فریادرسی می نمایند و بیماران را عیادت می فرمایند.
۴. بر امام واجب نیست که شخصا و بدون واسطه در امور دخالت نموده و حل و فصل امور نمایند، بلکه می توانند دیگران را به نحو خصوصی یا به عنوان عموم از جانب خود بگمارند. همان طور که امام علی(ع) از جانب خود افرادی را در شهرهای دیگر منصوب می کردند.
۵. اصل وجود امام موجب دلگرمی و قوت دل برای بندگان خدا و اهل هدایت است. خود همین موضوع که امام زنده و حاضر داریم و ملجأ و پناهگاه شریعت است موجب قوت قلب مؤمنان و مانع از ایجاد یأس و ناامیدی در دل سالکان هدایت است و همواره از او مدد می گیرند و یاری می جویند، و این مساله از نظر علم النفس بسیار اساسی و مهم است.

^۱. نهج البلاغه، صبحی صالح، ص ۴۹۷، کلام ۱۴۷ به نقل از امامت و مهدویت آیت الله صافی گلپایگانی، ج ۳، ص ۱۵۲

ظهور:

((کلمه ظهور نوعاً به معنای ظهور شخص امام زمان علیه السلام مطرح می شود و مثلاً به همین معنی «عجل علی ظهورک» گفته می شود و البته این مسأله قطعی و غیر قابل انکار است. لکن احتمال دیگری هم وجود دارد که ظهور به معنای ظهور امر باشد، نه ظهور شخص.

البته ظهور کامل و تام امر، مستلزم ظهور شخص است. یعنی تا شخص ظاهر نشود، امر امت به صورت تمام و کامل ظاهر نمیشود، ولی در عین حال میان این دو تفاوت هایی وجود دارد.

اصل این تفکر و اندیشه از این سرچشمه میگیرد که ظهور حداقل می تواند دو معنا داشته باشد:

۱. طلوع و آشکار شدن و پیدایش بعد از استتار:

به این گونه که ظهور را نقطه مقابل خفا بگیریم که توجه مطلب بیشتر به ظهور شخص می باشد.

۲. ظهور را از ماده و ریشه (ظهر) بگیریم:

که عبارتست از تقویت و پشتوانه یافتن چیزی باشد که ما را از آن تعبیر به پیروزی و حاکمیت مقتدرانه می نماییم.

اگر ظهور را صفت شخص بگیریم تمام آیات و روایات و ادعیه و زیارات و مناجات هایی که در آنها واژه ظهور به کار رفته و استعمال شده است، تحقق پیدا نمی کند، مگر با ظهور شخص امام طمان علیه السلام. زیرا ظهور به معنای پیدایش بعد از استتار و خف استعمال شده است.

اما اگر ظهور را به معنای پیروزی و سلطه اسلام تعبیر نماییم حتی ممکن است این پیروزی البته تا حدودی قبل از ظهور امام زمان علیه السلام نیز حاصل شود. لکن نه به گونه ای که مستغنی از ظهور آن حضرت باشیم.))^۱

فصل دوم

فرهنگ و اجتماع از منظر اسلام

گفتار اول: تعریف فرهنگ

^۱ موعود نامه، کلمه ظهور، ص ۴۷۵ و ۴۷۶

مقصود از فرهنگ:

((کلمه ای است که در جریان تاریخ انسان به تدریج شکل گرفته و مفهومی مشخص گردیده است. انسان در یک مرحله بر اساس تجربه به سنت ها و رسوم راه می یابد و در یک مرحله بر اساس تخیل به اساطیر و افسانه ها و در یک مرحله بر اساس تفکر به صنایع و علوم راه می یابد.

فرهنگ انسانی هم در تمام این مراحل مفهومی غنی تر و تازه تر می گیرد و تمام سنت ها و اساطیر و علوم را در خود می پذیرد و حتی به یک مفهوم عمیق تری از سنت ها و رسوم و از افسانه ها و اساطیر و دانش ها اطلاق می شود. فرهنگ یعنی مجموعه ارزش ها و معیارهای حاکم بر یک جامعه. ارزش ها که در واقع هدف های اجتماعی و انسانی هستند و در افراد یا جامعه حاکم می شوند فرهنگ جامعه را می سازند.))^۱

((یکی از راه های معتقد شدن به دین، اعتقاد یافتن به موعود و جامعه مطلوب است. به ویژه در این زمان که ظواهر فربنده ی دنیا در تمدن غرب به گونه ای اغراق آمیز در صدد است تا خود را همان جامعه موعود معرفی کند. در چنین شرایطی باید با ذکر خصوصیات جامعه ی مهدوی که وضعیت مطلوب ماست، کاستی های همین تمدن غرب را نشان داد، تا علاوه بر نجات اندیشه ها از اسارت این تمدن پوشالی، برای تمدن اصیل اسلامی هم دلبری نمود.

اگر در جامعه آنان که تمدن غرب را می پسندند و گاهی هم دروغین بودن آن چشیده اند تمدن مهدوی و خصوصیات آن بیان شود، یقیناً بیش از هر کسی زیبایی های آن را درک می کنند و بهتر و سریع تر برای اجرایی شدن آن در جامعه خود کوشش می کنند.))^۲

^۱ انتظار ص ۳۵ و ۳۶

^۲ انتظار، عامیانه، عالمانه، عارفانه ص ۱۳۵

((نمود فرهنگ مهدوی در یک جامعه را می توان امید فرج در آن جامعه دانست. جامعه ای که فرهنگ مهدوی را برگزیده است هرگز دچار یأس و ناامیدی نمیشود. در بحرانی ترین شرایط همواره امیدی وجود دارد که مشکلات را پشت سر گذاشته و عصر طلایی فرا رسد.

در این راستا ذکر این نکته ضروری است که مهدویت حاوی عاملی به نام «انتظار» است که این فرهنگ را در قیاس با سایر فرهنگ های دوره معاصر، منحصر به فرد جلوه گر می نماید. فرهنگ انتظار حرکت آفرین، امید بخش، تلاش آور و نشاط آور است و تمام ناهنجاری های فردی و اجتماعی، یأس و نومیدی و خستگی و پوچ گرایی از بین می برد و دریچه ای به جهان آینده و راه نجات فردی و فرهنگی و اجتماعی از بن بست ها و گرفتاری های جسمی و روحی به شمار می آید.))^۱

فرهنگ مهدویت اقیانوس بی کرانی است که هر معتقد به امام زمان علیه السلام در حد بینش و دانش و تحقیقی که کرده از آن برداشت می کند. نگرشی درست به ظهور منجی موعود از سلاله پاک پیامبر اسلام و درک صحیح از معیارها، ارزش ها و مسئولیت ها و احیای امر به معروف و نهی از منکر و اصلاح خود و جامعه است. رابطه قوی و پایدار بر اساس رابطه ولایی، بین انسان و امام عصر علیه السلام ایجاد می کند.

فرهنگ مهدویت زیر بنای ایجاد نظم عادلانه جهانی در پرتو انسان کامل و رهبری معصوم به شمار می آید و انسان ها و جامعه را در برابر تمام بیماری های فکری و روحی بیمه می کند و تمام موانع را بر می دارد و سکوی پرواز به جهانی آزاد و بهتر است. این فرهنگ انسان و جامعه را برای تحقق جامعه مهدوی آماده می سازد و فرهنگ اصلاح خود و جامعه آمادگی برای ایثار و تسلیم فرمان مولای خود شدن است.

فرهنگ، اندیشه، طرح و عمل، تزکیه، عشق، حرکت، جهاد و شهادت به شمار آید.))^۲

^۱ جستارهایی در مهدویت ص ۸۹

^۲ به سوی حکومت جهانی امام مهدی ص ۵۷ تا ۵۵

((سؤال جدی که مطرح میشود این است که آیا اگر کسی بخواهد به شیوه ای حکومت کند که در آن کرامت انسان ها پاس داشته شود ، حکومتش باقی می ماند؟ اگر قرار باشد امام زمان علیه السلام هم به شیوه ی پیامبر حکومت کند، آیا شدنی است؟ آیا دوام دارد؟

باید به این نکته توجه داشت که نفاق و دو رویی یکی از اولین عوارض طبیعی حاکم شدن ارزش ها در یک جامعه است . زیرا وقتی ارزش ها در جامعه حاکمیت پیدا می کنند چه این حاکمیت فرهنگی باشد چه حکومتی بالاخره نفاق را پدید خواهد آورد.

زیرا کسانی هم که به ارزش های آن جامعه اعتقاد ندارند، برای حفظ جایگاه و منزلت اجتماعی خود، به تظاهر و دو چهرگی رو می آورند. یعنی با اینکه ارزش ها را قبول ندارند، اما خودشان را یک آدم ارزشی و طرفدار ارزش ها نشان می دهند یا لا اقل به صورت ظاهری با ارزش ها همراهی می کنند. ولی معلوم است که تا حدی می توانند تحمل کنند. از آن به بعد شروع به بهانه جویی و ضربه زدن پنهانی می کنند. البته نفاق انواع و اقسام و حداقل و حداکثری دارد که باید در جای خود بحث شود.

ولی به هر حال نفاق پدیده ی شومی است که به صورت طبیعی هر جامعه ی ارزشی به آن مبتلا میشود.

امام زمان علیه السلام هم که قرار است یک جامعه ی ارزشی و دینی را در سطح جهان پایه گذاری کند طبیعتاً اولین عارضه طبیعی این است که جامعه دارای نفاق خواهد بود. از طرفی هم قرار است که ایشان، در همین حکومت دینی بساط نفاق را برچینند بنابر آنچه که در دعای ندبه میخوانیم: ((این هادم اَبْنِیه الشِّرْکِ وَالنَّفَاقِ؟ کجاست آنکه بناهای شرک و نفاق را ویران می کند؟))^۱

^۱ اقبال الاعمال ج ۱ ص ۲۹۷، مفاتیح الجنان دعای ندبه

در شبهای ماه مبارک رمضان میخوانیم این دعا را ((اللهم انا نرغب اليك في دوله كريمه تعز بها الاسلام و اهله و تذل بها النفاق و اهله. خدایا ما از تو آرزومند آن دولت عزیزی هستیم که به وسیله آن اسلام و مسلمین را عزت بخشی و نفاق و منافقین را ذلیل و خوار کنی.))^۲

با توجه به موقعیت خطیر این فرهنگ در نزد شیعیان، امروزه هجوم دشمن به اعتقادات به امام زمان (عج) بیش از هر زمان دیگر است؛ چون انقلاب اسلامی به رهبری امام و تبعیت مردم به پیروزی رسید. در تاریخ ایران معاصر یکی از عناصر اساسی فرهنگ سیاسی شیعه که زمینه انقلاب را فراهم آورد، عقیده به غیبت بود که نتیجه منطقی آن غیرقانونی و نامشروع دانستن حاکمان موقتی است. این اعتقاد بالقوه نظریه‌ای انقلابی و الهام بخش به شمار می‌آید و به منزله ملاک اساسی تحلیل شیعه، موجب نوعی روحیه مقابله جویی و انقلابی‌گری در میان شیعیان بوده است و بر همین مبناست که اکنون دشمن به این فکر افتاده که به جای مبارزه با ولایت فقیه، شاخه اصلی آن را بزند. دشمن در این راستا تلاش می‌کند به اعتقادات مردم به‌خصوص جوانان آسیب رساند. بنابراین، مسئولیت پژوهش‌گران و اسلام‌شناسان و منتظران بیشتر می‌شود و باید در اصول و اعتقاداتمان بیشتر کار کنیم و آن را از برداشت‌های نادرست و انحرافی پالایش سازیم.

گفتار دوم: تعریف اجتماع از منظر اسلام

احکام و رفتار دین اسلام به گونه‌ای تنظیم گردیده است که فراتر از توانایی آدمی نباشد؛ چنان که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «بعثت الیکم بالحنیفه السمحه السهله البیضاء.» «آمن با دین حق گرا، آسان و روشن به سوی شما مبعوث شده‌ام.» بی‌گمان این آسانی از آن روست که آدمی از یک سو بدون تحمل فشار و سختی شدید به زندگی اجتماعی بپردازد و از سویی دیگر به بالاترین مرحله رشد انسانی دست یابد. بنابراین نظام زیست اجتماعی

^۱ مفاتیح الجنان دعای افتتاح، تهذیب الاحکام ج ۳ ص ۱۱۰، الکافی ج ۳ ص ۴۲۴

^۲ انتظار عامیانه، عالمانه، عارفانه ص ۱۴۳ و ۱۴۴

^۳ بحار الانوار ج ۶۵ ص ۳۴۶

اسلام از هر گونه سخت گیری به دور است؛ آن سان که خداوند در قرآن کریم نیز می فرماید:
خداوند بر شما آسانی را می خواهد و سختی را روا نمی دارد.^۱

او شما را برگزید و در دین خود تکلیف سختی آوری را برای شما قرار نداد.^۲

یکی از ویژگی های نظام اجتماعی اسلام، اعتدال و میانه روی در قانون گذاری و دستوری اسلامی است که این بی گمان بر اساس عقل و فطرت بشر نیز هست. این حالت اعتدال، میان زندگی مادی و معنوی انسان هماهنگی لازم را به وجود می آورد و ضمن به دست دادن برنامه این جهانی، سعادت افراد در آخرت را نیز تضمین می کند.

خداوند اسلام را دین «حنیف» خوانده است تا مردم را به این قاعده کلی دستور دهد که در تمامی امور، حد وسط و حالت اعتدال را از دست ندهند و از انحراف به سوی افراط و تفریط بپرهیزند.^۳
حدیث معروف: «خیر الامور اوسطها» نیز بیانگر رعایت اعتدال در همه امور زندگی است، مگر آنکه در مورد خاصی دلیلی برای خروج از عمومیت آن داشته باشیم.

بنابراین ما باید در امور مادی و معنوی از خوردن و آشامیدن تا عبادت کردن، امیدواری و ناامیدی (خوف و رجا)، دوستی و دشمنی با افراد، خندیدن (تبسم نه قهقهه زدن) و سخن گفتن، راه اعتدال بپوییم.
از همین رو، لقمان به فرزندش سفارش می کند: «در راه [زندگی] خودت میانه روی و اعتدال را پیشه کن».^۴

اسلام توازن و تناسب کامل را میان همه بخش های زندگی اجتماعی بشر برقرار ساخته است. به واقع این نظام الهی، فراگیر بوده و تمامی انسان ها می توانند از آن بهره مند شوند. برای اثبات جامع نگری این

^۱ بقره آیه ۱۸۵

^۲ حج آیه ۷۸

^۳ انوارالعرفان ج ۱۱ ص ۱۶۶

^۴ نهج الفصاحه ح ۱۴۸۱، بحارالانوار ج ۷۵ ص ۱۱ ح ۷۰

^۵ لقمان آیه ۱۹

نظام می توان به ذکر نمونه ای از مجموع روایات اسلامی پرداخت که در آن پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله سی حق اجتماعی را بر عهده فرد مسلمان نهاده است:

۱. از لغزش های او بگذرد

۲. هنگام اندوه و مصیبت بر او ترحم نماید

۳. آبروی او را حفظ کند

۴. تقاضای او را نسبت به گذشت از لغزش ها بپذیرد

۵. عذر خواهی او را قبول کند

۶. از بدگویی و غیبت از او خودداری ورزد و.....^۱

چنین اجتماعی که تشکیل دهنده یک جامعه آرمانی خواهد بود زمینه های فرج را و ظهور حضرت بقیه الله را فراهم خواهد کرد باشد که تمام اجتماعات عالم به این سو سیر کند که هرچه سریع تر بتوانند این وعده الهی به ثمر بنشینند.

^۱ وسایل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۱۲، ح ۱۶۱۱۴

فصل سوم

وظایف فردی، فرهنگی و اجتماعی منتظر

گفتار اول: وظایف فردی

مقدمه:

منتظران واقعی وضعیت فکری و روحی و علمی خود را به گونه ای سامان می بخشند که سنخیت کاملی با امام زمان علیه السلام داشته باشد.

به طور کلی هر انسانی دارای سه مرتبه وجودی (افکار و صفات و اعمال) است و هیچ انسانی از این قاعده مستثنا نیست. اگر کسی بخواهد به انسان دیگری نزدیک بشود چاره ای جز اینکه بکوشد نوع اعتقاد و باورها و صفات و رفتار خود را با آن طرف نزدیک سازد تا از این طریق پیرو واقعی او باشد.

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه ((یا ایها الذین امنوا اصبروا وصابروا و رابطوا))^۱ فرمودند: ((اصبروا)) یعنی صبر کنید بر ادای واجبات و ((صابروا)) یعنی شکیبا باشید بر اذیت دشمنان و ((رابطوا)) یعنی رابطه ناگسستگی با امام خود مهدی منتظر علیه السلام داشته باشید. آدرتوضیح این حدیث شریف باید گفت آنهایی که منتظر واقعی هستند باید به گونه ای با امام ارتباط داشته باشند یا به گونه ای این رابطه را محکم کنند که این سنخیت در آن ها ایجاد شود.

۱. پرهیزکاری و تزکیه نفس:

^۱ آل عمران آیه ۲۰۰

^۲ منتخب الاثر ج ۸ ص ۵۱۵

الغیبه التعمانی ص ۱۹۹

تفسیر برهان ج ۱ ص ۲۳۴

یکی از وظایف آراستن درون با فضایل انسانی و چنگ زدن به مکارم اخلاقی است. یعنی همانطور که قرآن میفرماید ((ان اکر مکم عند الله اتقاکم))^۱ این قانون در مورد حضرت صاحب علیه السلام نیز وجود دارد یعنی اگر میخواهید به او نزدیک شوید باید تقوا داشته باشید.

حضرت آیت الله بهجت (رحمه الله علیه) مکرر میفرمودند: ائمه علیهم السلام فرمودند ((شما خودتان را اصلاح کنید ما به سراغ شما می آییم و لازم نیست شما به دنبال ما باشید)^۲

بسی گفتند از عیسی و مهدی	مجرد شو تو هم عیسای عهدی
زمهدی گرچه روزی چند بیشی	بکش دجال خود مهدی خویشی
چو تو در معرفت چون طفل مهدی	چه دانی قدر علم و فضل مهدی
به نور علم می کن دیده روشن	که تا بتوانی اش هر لحظه دیدن ^۳

۲. یاد حضرت بودن:

منتظر حقیقی کسی است که از یاد و نام محبوب خود غافل نمیشود و پیوسته در فکر و اندیشه اوست. شخص مومن در هیچ حالی از حالات و هیچ وقتی از اوقات و هیچ مکانی از مکان ها از یاد امامش و انتظار او فارغ نیست. در روایت آمده وقتی امام کاظم علیه السلام از امام غایب و نعمت باطنی خدا یاد نمودند فردی پرسید آیا از امامان کسی غایب میشود؟ فرمودند: ((نعم یغیب عن ابصار الناس شخصه ولا یغیب عن قلوب المؤمنین ذکره و هو الثانی عشر منا))^۴

بزرگداشت یاد و نام امام زمان علیه السلام مصادیق و شکل های مختلفی میتواند داشته باشد:

^۱ حجرات آیه ۱۳

^۲ در محضر بهجت

^۳ کنز الحقایق شیخ محمود شبستری ص ۵۶ و ۵۵

^۴ بحار الانوار باب ۷ ص ۱۵۰ ح ۲

۱. بلند شدن به هنگام شنیدن نام ایشان: نقل شده که روزی در مجلس حضرت صادق علیه السلام نام حضرت مهدی علیه السلام برده شد و حضرت به نشانه احترام بلند شدند. اما رضا علیه السلام نیز با شنیدن نام حضرت حجت سلام الله علیه برخاستند و دست خود را به نشانه تواضع بر سر گذاشتند.^۲

۲. نکوداشت روزهای منسوب به امام زمان علیع السلام:

مانند نیمه شعبان و اعیاد فطرو قربان و غدیر و جمعه و.....

۳. آغاز کردن هر روز با سلام به پیشگاه امام علیه السلام. منتظران در آغاز هر روز و در تعقیب نماز صبح سلام به مولای خود را فراموش نمی کنند و متناسب با فرصت و وقت یکی از زیارت ها و دعاها را می خوانند.^۳

۴. اظهار محبت و مودت:

یکی از اوصاف منتظران و شیعیان خالص امام زمان علیه السلام مهرورزی و محبت سرشار به آن حضرت است. البته این محبت دو طرفه است. زیرا امام معصوم نیز شیعیان خود را دوست دارد و دلسوز آنها چرا که امام رضا علیه السلام فرمودند: ((الامام الانیس الرفیق و الوالد الشفیق و الاخ الشفیق...))^۴

پیامبر اکرم درباره لزوم دوستی حضرت مهدی علیه السلام می فرمایند:

((من احب ان یلقى الله و قد کمل ایمانه و حسن اسلامه فلیتول الحجة صاحب الزمان المنتظر))^۵ (هر

کس دوست دارد خدا را ملاقات کند درحالیکه ایمانش کامل و اسلامش نیکو باشد پس باید دوستدار

حضرت حجت صاحب الزمان منتظر باشد.))

^۱ نجم الثاقب ص ۵۲۳

^۲ بحار الانوار ج ۴۹ ص ۱۳۷

^۳ نشریه موعود مقاله شیعه انتظار و وظایف منتظران مهر و آبان ۱۳۸۰

^۴ الکافی ج ۱ ص ۱۹۱ ح ۱

^۵ بحار الانوار ج ۳۶ ص ۲۹۶ ح ۱۲۵

خود حضرت مهدی علیه السلام نیز مردم را به کارهایی سفارش فرموده که موجب ازدیاد محبت و مودت میشود:

((هریک از شما باید به اموری پردازد که او را به محبت ما نزدیک کند و از کارهایی که ناخوشانند ماست دوری جوید زیرا ظهور ما به صورت ناگهانی فرا می رسد.))^۱

۳. حزن و اندوه و ندبه:

محزون بودن در فراق امام زمان علیه السلام و اظهار شوق به لقای او از اوصاف منتظران است که عاشق پیشه اند. امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: ((لا تزال شیعتنا فی حزن حتی یظهر ولدی الذی بشر به النبی [ص]))^۲ ((شیعیان ما در یک اندوه دائم به سر می برند تا فرزندم که پیامبر [ص] بشارت ظهورش را داده است ظاهر شود.))

۴. چشم به راه بودن:

علاقمند به دیدار حضرت و اشتیاق به محبوب از ویژگی های بارز منتظران است. چنانکه در دعای ندبه آمده ((لیت شعری ایت استقرت بک النوی بل ای ارض تقلک او ثری ابرضوی ام غیرها ام ذی طوی))^۳ ((ای کاش میدانستم در چه جایی منزل گرفته ای و چه سرزمین و مکان تو را در بر گرفته است. آیا در کوه رضوی هستی و یا در جای دیگر و یا در ذی طوی هستی))

۵. صبر و بردباری:

در روایات زیادی توصیه به صبر و بردباری در این دوران شده و برای منتظران صابر، پاداش ها و ثوابهایی بیان شده است.

^۱ بحار الانوار ج ۵۳ ص ۱۷۶

^۲ بحار الانوار ج ۵۰ ص ۳۱۸

^۳ اقبال الاعمال ج ۱ ص ۲۹۸

امام صادق علیه السلام میفرماید ((من دین الأئمه الورع و العفه و الصلاح و انتظار الفرج

بالصبر)) (از آیین امامان است، تقوا، عفت، صالح بودن و انتظار فرج با صبر و شکیبایی)

حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمودند ((خوشا به حال شکیبایان در غیبت و محبت او، که آنان را

خدای تبارک و تعالی، در کتابش چنین توصیف نموده)) (هدی للمتقین الذین یؤمنون بالغیب)) که [متقین]

به شیعیان و [غیب] به حجت غایب تفسیر شده است.^۳

کسی که منتظر امر ما باشد (ظهور مهدی) و بر آنچه در این راه از آزار و ترس و وحشت، می بیند، صبر کند

فردا (روز قیامت) در زمره ی ما خواهد بود.))^۴

قَالَ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا أَحْسَنَ الصَّبْرَ وَ انْتِظَارَ الْفَرَجِ أَمَا سَمِعْتَ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ: ((و

ارْتَقِبُوا إِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٌ)) وَ قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ: «فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ» * فَعَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ فَإِنَّهُ إِنَّمَا

يَجِيءُ الْفَرَجَ عَلَى الْيَأْسِ، فَقَدْ كَانَ الَّذِي مِنْ قَبْلِكُمْ أَصْبَرَ مِنْكُمْ.))^۵

امام رضا علیه السلام در ذیل آیه ۷۱ سوره اعراف فرمودند: صبر و انتظار فرج چه نیکوست. پس بر

شما باد به صبر چون به دنبال ناامیدی گشایش است. همانطور که کسی (حضرت حجت) قبل از شما در

انتظار است.

۶. شناخت و معرفت امام:

یکی دیگر از وظایف فردی منتظران، شناخت و معرفت نسبت به امام علیه السلام است و ارتباط

هرچه بیشتر با آن حضرت است. شناخت امام علیه السلام به حدی ضرورت دارد که در روایات معتبر

^۱ منتخب الاثر ص ۴۹۸

^۲ بقره آیات ۲ و ۳

^۳ الزام الناصب ص ۱۳۷

^۴ بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۵۶

^۵ حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، جلد ۵، اسماعیلیان - ایران - قم، چاپ: ۴، ۱۴۱۵ ه.ق.

شیعه و سنی آمده است که نبی مکرم اسلام صلوات الله علیه فرمودند: ((من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة الجاهلیه))^۱

این معرفت هم شامل نام و نسب میشود و هم شامل اوصاف و ویژگی ها و هم اهداف و برنامه ها می باشد. به همین جهت در یکی از دعاهاى معتبر و معروف می گوئیم: ((اللهم عرفنى نفسک فانک ان لم تعرفنى نفسک لم اعرف نبيک اللهم عرفنى رسولک فانک ان لم تعرفنى رسولک لم اعرف حجبتک اللهم عرفنى حجبتک فانک ان لم تعرفنى حجبتک ضللت عن دینى))^۲

۷. دعا:

مؤثرترین وسیله برای ایجاد رابطه روحی با امام عصر علیه السلام و نیز عامل مهم در ظهور آن حضرت، دعای مردم برای فرج آن حضرت است.

در کتاب مکیال المکارم برای دعا در فرج امام زمان علیه السلام صد فایده مهم نقل شده که به برخی اشاره میشود:

۱. دعا برای فرج، موجب فرج خواهد بود.
۲. موجب زیاد شدن نعمت پروردگار میشود.
۳. سبب ناراحتی و اضطراب شدید شیطان می گردد.
۴. باعث کامل شدن ایمان است.
۵. باعث دعا کردن متقابل امام زمان برای دعاکننده است.

^۱ بحار الانوار ج ۵۱ ص ۱۶۰

^۲ الکافی ج ۱ ص ۳۳۷ ح ۵، کمال الدین ج ۲ ص ۵۱۲ ح ۴۳

۶. موجب نجات از فتنه های آخر الزمان و سالم ماندن از هلاکت روحی است و....^۱

۸. منتظر بودن:

خود انتظار کشیدن یکی از وظایف منتظران است. یک حالت و عمل قلبی و درونی است که آثار و برکات فراوانی دارد. انسان دائماً به در نگاه می کند، پیوسته در درون باطن به عالم بالا نگاه میکند که آقایش چه زمانی تشریف می آورد.

پس اولین اثر این است که انسان را دائم به یاد منتظر می اندازد یعنی حتی یک لحظه نیز از او غافل نیست.

دومین اثر، آماده و مهیا شدن برای آمدن امام زمان عجل الله تعالی فرجه است. [فردی به خدمت پیامبر صلی الله علیه و اله آمد و پرسید: ((یا رسول الله متی الساعة)) روز قیامت در چه زمانی واقع خواهد شد؟ و چون هنگام نماز این را پرسید حضرت ابتدا تشریف بردند و نماز خواندند و سپس فرمودند: ((شخصی که سؤال کرد، کجاست؟)) سائل آمد اما پیامبر این جواب را به او نداد که علمش نزد خداست بلکه فرمودند: ((ما اعددت لها؟)) برای قیامت چه آماده کرده ای؟^۲

مشابه همین شخصی از امام صادق علیه السلام می پرسد: ((جعلت فداک متی الفرج؟)) فقال: ((ما لک و الفرج و انت ممن ترید الدنیا؟)) [آقا جان گشایش و فرج شما اهل بیت چه زمانی است؟ حضرت فرمودند: تو را به فرج چه کار درحالی که از کسانی هستی که دنیا را میخواهند و دنیا طلبند].^۳

یعنی به این منظور که کسی می پرسد فرج چه زمانی است که خود را برای آن ساخته باشد. اما بعضی فرج را برای آن میخواهند که دنیایشان آباد شود، مشکلات اقتصادی و سیاسی حل شود اما به فکر حضرت حجت علیه السلام نیستند.

^۱ مکیال المکارم ج ۱ ص ۶۲۴ تا ۶۴۹

^۲ الطرائف ج ۱ ص ۲۱۵

^۳ الکافی ج ۱ ص ۳۱۷

اثر سوم انتظار، لحظه شماری انسان منتظر برای آمدن آن حضرت است. لحظه به لحظه می گوید: ((خدا کند تو بیایی)) به طوری که در خواب هم آمدن حضرت را ببیند.

این منتظر بودن علاوه بر این که اثر در وجود انسان میگذارد و مایه تحول درونی و حتی بیرونی انسان میشود از یک پاداش معنوی نیز برخوردار میشود. امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمودند: ((انتظروا الفرج و لا تأسوا من روح الله فان احب الاعمال الى الله عزوجل انتظار الفرج الاخذ بامرنا معنا غدا فی حظیره القدس و المنتظر للفرج کمتشطح بدمه فی سبیل الله)) [منتظر فرج باشید و از رحمت خدا مأیوس نشوید که محبوب ترین اعمال نزد خداوند عزوجل انتظار فرج است. کسی که پذیرای امر باشد، فرداها در «حظیره القدس» با ماست و کسی که منتظر فرج باشد، مانند کسی است که در راه خدا، به خون خود آغشته گشته است.]]^۱

۹. اخلاق کریمانه:

آن صفاتی که بر خوب بودن فطرت همه انسان ها گواهی می دهد و امامان معصوم علیهم السلام آن را تمجید و مدح کرده اند باید در منتظران نهادینه شود و جزء وظیفه ی فردی خود قرار دهند.

امام صادق علیه السلام فرمودند: ((سید الاعمال ثلاثة: انصاف الناس من نفسک حتی لا ترضی بشئ الا رضیت لهم مثله و مواساتک الاخ فی المال و ذکر الله علی کل حال)) [سرور عمل های نیک و خوب سه خصلت است: اهل انصاف بودن، مواسات با برادر دینی در مال و همواره به یاد خدا بودن] انسانی که دارای این صفات و ویژگی ها است یقیناً مورد توجه حضرات معصومین بالاخص حضرت صاحب ارواحنا له الفداه است.

^۱ بحار الانوار ج ۵۳ ص ۱۲۳

^۲ الکافی ج ۲ ص ۱۴۴

گفتار دوم: وظیفه فرهنگی

وظایف فرهنگی در سه حیطه مورد مطالعه و بررسی قرار میگیرند:

۱ - وظایف فرهنگی زمینه سازی ظهور در سه حیطه آموزشی:

الف- خانواده.

خانواده پایه اصلی جامعه است و اولین نهادی است که انسان پس از تولد به عضویت آن در می آید. در واقع نهاد خانواده زمینه ساز عضویت انسان در نهادی های دیگر است چراکه خانواده در سال های اولیه زندگی که دوران تکوین شخصیت طفل است مراقبت او را بر عهده دارد و در جامعه پذیری او تأثیر بسزایی داشته و خط مشی آینده او را در زمینه های تربیتی، دینی و اقتصادی مشخص می سازد.

در بین تمام نهادها، خانواده از جمله عمومی ترین نهادهاست. تقریباً در تمام جوامع، خانواده مهمترین تکیه گاه و محور زندگی اجتماعی است. فرد در خانواده متولد می شود و در خانواده زندگی می کند و در موقع نیاز به خانواده روی می آورد و در سایه زندگی خانوادگی آرامش می یابد.^۱

چنانچه در تعریف خانواده، همانند سایر مفاهیم اجتماعی، پیش فرض های نظری و محیط اجتماعی دخیل باشد، می توان بر اساس اندیشه های اجتماعی اسلام و جامعه ایرانی و با توجه به نقشها و کارکردهای خانواده تعریف ذیل را ارائه نمود: خانواده نخستین هسته زندگی اجتماعی انسان است که بنیان آن صرفاً قرارداد اجتماعی نیست، بلکه مبتنی بر نیازی فطری و برخاسته از عمق روح انسان است.

نیاز به سکونت و آرامش روحی بین دو جنس مخالف از طریق عقد و قراردادی خاص، نخستین حلقه زندگی اجتماعی را شکل می دهد و وظایف و نقشهای ویژه ای را برای طرفین به ارمغان می آورد. این

^۱ خانواده در اسلام ص ۲۹ تا ۳۲

هسته اجتماعی با هسته‌های مشابه مربوط به خود مانند والدین و فرزندان پیوندی انسانی، عاطفی و حقوقی دارد.^۱

می‌توان ادعا نمود یکی از مهم‌ترین مراکز زمینه‌سازی ظهور منجی موعود، خانواده است که وظایف فرهنگی زیر را در این زمینه داراست:

- تربیت فرزندان بر مدار پیروی و محبت اهل بیت خصوصاً شناخت امام زمان (عج)
- تشویق فرزندان با اهدای هدایای مهدوی مانند کتاب و لوح فشرده درباره امام زمان (عج) و برچسب‌های تشویق و لوازم التحریر با نام و احادیث مهدوی
- شرکت در دعای ندبه به همراه فرزندان
- عیدی دادن به فرزندان در ایام ولادت ائمه و هدایای ویژه در نیمه شعبان
- ایجاد عادات خوب در فرزندان از جمله خواندن دعای فرج بعد از هر نماز و فرهنگ سازی صدقه دادن روزانه برای سلامتی امام زمان (عج)
- آموزش معارف مهدوی به زبان ساده به فرزندان در مجامع فامیلی و دوستانه

-ب مدرسه:

- شروع برنامه صبحگاهی مدارس با نام و یاد حضرت علیه السلام و خواندن دعای فرج؛
- تشویق دانش آموزان به شرکت در نماز جماعت در مدارس؛
- تزئین نمازخانه و فضای عمومی مدرسه با رویکرد مهدویت و انتظار؛
- نصب احادیث مربوط به امام زمان علیه السلام در مدرسه؛

^۱ همان ص ۵۵

- برگزاری جشن هایی به مناسبت نیمه شعبان و آغاز امامت حضرت علیه السلام با مشارکت دانش آموزان؛

- برگزاری مسابقات با موضوعات مهدویت در جشنها و اعیاد در مدارس؛

- اختصاص بخشی از فضای کتابخانه مدرسه به کتابهای مهدوی مربوط به آن مقطع تحصیلی؛

- انجام تمرینات درس ورزش با نام و یاد حضرت و با هدف تقویت روحیه حماسی بعنوان سرباز امام علیه السلام در دانش آموزان؛

- تشویق دانش آموزان به تهیه روزنامه دیواری با موضوع مهدویت

- اختصاص بخشی از کتاب های دینی و معارف اسلامی را به مبحث مهدویت.

- گنجاندن کتابی با نام معارف مهدوی در کتابهای درسی دانش آموزان

- آشنایی دانش آموزان با اماکن مقدسه خصوصاً اماکن منسوب به امام زمان (عج) مانند مسجد مقدس جمکران، مهدیه ها و... از طریق اردوهای سیاحتی، زیارتی و آموزشی.

ج- دانشگاه:

- تأسیس دانشگاه بین المللی مهدویت یا تأسیس رشته مهدویت در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری به منظور تربیت متخصص امام شناسی خصوصاً حضرت مهدی علیه السلام ، تربیت متخصص در امر شبهات و پاسخگویی به آنها، تربیت متخصص در آسیب شناسی مهدویت .

- در نظر گرفتن مجموعه مباحثی از معارف مهدوی در سرفصل های دروس دانشگاهی تمامی رشته ها به منظور آشنایی تخصصی جوانان با حضرت ولی عصر علیه السلام و انقلاب جهانی آن حضرت.

- برگزاری همایش ها و سلسله نشست های تخصصی در خصوص شبهات و آسیب شناسی مهدویت در دانشگاه های سراسر کشور با همکاری کانون های مهدوی مستقر در دانشگاه ها.

- تهیه و ارائه اولویت های پژوهشی مطالعات راهبردی مهدویت با همکاری مؤسسات مهدویت برای موضوعات پایان نامه های رشته های علوم انسانی بصورت فراخوان به دانشگاه ها.
- برنامه ریزی برای شناسایی استعداد های درخشان خصوصاً در رشته های علوم انسانی و معرفی آنها به مراکز تحقیقاتی مهدوی جهت بهره گیری از قابلیت و استعداد آنها در مطالعات راهبردی مهدویت در کشور.
- برنامه ریزی برای استفاده از نتایج و دستاوردهای مطالعات علوم انسانی و پایان نامه های دانشجویان جهت بکارگیری در نحوه پیشگیری و مقابله با آفات آخرالزمان.
- برنامه ریزی برای جذب متخصصان علوم اسلامی ایرانی داخل و خارج از کشور جهت پیشگیری و مقابله با آفات آخرالزمان و زمینه سازی دولت ظهور.

۲- وظایف فرهنگی زمینه سازی ظهور در حیطه تبلیغ:

الف- حوزه های علمیه:

- برگزاری دوره های آموزشی تربیت مبلغ جهت تبلیغ در سطح کشور از قبیل مساجد، مراسم و اعیاد مذهبی و... به منظور آشنایی مردم خصوصاً نسل جوان در زمینه معرفت و غیبت امام زمان (عج) و فتنه های آخرالزمان .
- آشنا کردن نسل جوان با فرهنگ غنی اسلامی و احکام و دستورات الهی از طریق ارائه تبلیغات فرهنگی با روشی نوین مانند استفاده از اینترنت و معرفی سایت های فعال در زمینه مهدویت.
- شناسایی جامع مبلغان در سطح کشور و بهره گیری از آنان در جهت آشنایی مردم با مسائل مربوط به دوره آخرالزمان خصوصاً در مناطق محروم روستایی پس از برگزاری دوره های آموزشی متناسب.
- بهره گیری از نیروهای مؤثر نظیر نویسندگان، فرهنگیان، هنرمندان در فعالیتهای فرهنگی - تبلیغی جهت ارائه آثاری در زمینه مقابله با آسیب ها و فتنه های آخرالزمان.

- آموزش تخصصی طلبه ها جهت جریان شناسی مهدویت و آفات آخرالزمان و شناسایی شبهات و یافتن پاسخ به آنها جهت اطلاع رسانی فرهنگی.

- آموزش طلبه ها همگام با تحولات روز و تجهیز به فناوری اطلاعات برای مقابله با آفات و شبهات آخرالزمان.

- تربیت خطیبان مخلص و صالح برای وعظ و سخنرانی در مساجد و روضه خوانی و ذکر مصیبت اهل بیت علیهم السلام به دور از جعل ها و تحریف ها.

ب-جامعه مداحان کشور:

- شناسایی مداحان اهل بیت و برگزاری دوره های آموزشی تخصصی در جهت آگاهی آنان نسبت به وقایع آخرالزمان و کنترل و نظارت بر فعالیت های آنان.

-آموزش طرز صحیح مناجات با حضرت صاحب علیه السلام

۳- وظایف فرهنگی زمینه سازی ظهور در حیطه روابط جوامع اسلامی:

- ایجاد زمینه معرفی و تبیین مکتب اهل بیت خصوصاً امام زمان (عج).

- تبیین تحولات فکری- اجتماعی جهان در خصوص منجی گرایی و مهدویت.

- تقویت و تعمیق زمینه های بحث و گفتگو با مجامع بین المللی و علما ادیان الهی در زمینه منجی گرایی و مهدویت.

- فراهم آوردن زمینه اتحاد مسلمانان در خصوص آسیبهای آخرالزمان و راهکارهای جهانی مبارزه با آن.

- گسترش و تقویت مناسبات فرهنگی با ملل و اقوام مختلف به ویژه کشورهای مسلمان به منظور مبادلات، تفاهم نامه و موافقت نامه در خصوص مهدویت.

- مطالعه و بررسی به منظور شناخت شیوه های مطلوب معرفی معارف اسلامی و مهدوی خصوصاً معرفی امام زمان (عج) به سراسر جهان.
- انجام مطالعات و تحقیقات بین المللی در خصوص منجی گرایی و حمایت از پژوهش های مهدوی در ایران و خارج از کشور.
- ایجاد زمینه و هماهنگی برای عقد موافقت نامه ها و قراردادهای به منظور مبادلات دستاوردهای مهدوی در همه عرصه ها.
- ایجاد، توسعه و اداره مؤسسات مهدوی و گسترش فعالیت های مهدوی در خارج از کشور.
- اختصاص دادن بخشی از فعالیت های تمامی نمایندگان فرهنگی و مراکز اسلامی و فرهنگی وابسته به جمهوری اسلامی در خارج به مهدویت.
- برگزاری گردهمایی ها، جشنواره ها و نمایشگاه های مهدوی و تبلیغی در خارج از کشور.

گفتار سوم: وظایف اجتماعی:

وظایف اجتماعی در دو حیطه مورد مطالعه و بررسی قرار می گیرند:

الف- وظایف اجتماعی زمینه سازی ظهور در حیطه مردمی:

مردم و رفتار آنها در جامعه ، رابطه مستقیم و تنگاتنگی با زمینه سازی اجتماعی ظهور دارند. هر چه افراد جوامع بشری ، خود را با مفاهیم و انگاره های مهدویت و انتظار بیشتر تطبیق دهند بحث زمینه سازی ظهور نیز بیشتر متجلی می گردد. وظایف اجتماعی زمینه سازی ظهور در حیطه مردمی را می توان در عناوین زیادی برشمرد که برخی از مهم ترین آنها عبارتند از:

۱- گرامی داشت مراسم نیمه‌ی شعبان :

نیمه‌ی شعبان، عید انتظار، عید نور، عید عدالت جهانی، عید اعلام نشاط، آگاهی، روشنی ضمیر، توجه به منتظران، و نمایش شادمانی‌ها و زوال تاریکی‌ها و امنیت و وحدت در جامعه‌ی جهانی اسلام است. از دیدگاه مقام معظم رهبری این رسالت مردمی نشان دهنده جدائی پیروان امام زمان (عج) و پیروان طواغیت و ستمگران است:

« روز ولادت مهدی موعود حقیقتاً روز عید همه انسان‌های پاک و آزاده عالم است. فقط کسانی در این روز، ممکن است احساس شادی و خرسندی نکنند که یا جزو پایه‌های ظلم و یا جزو پیروان طواغیت و ستمگران عالم باشند؛ و الا کدام انسان آزاده‌ای است که از گسترش عدالت، از برافراشته شدن پرچم دادگری و رفع ظلم در سراسر جهان، خرسند نشود و آن را آرزو نکند.»^۱

ایشان گرامی داشتن و شادی این عید بزرگ را مربوط به همه جوامع و افراد، حتی کسانی که دیگر در این دنیا نیستند می‌دانند و می‌فرمایند:

« روز ولادت حضرت مهدی موعود یک عید حقیقی، برای همه افراد بشر و آن کسانی که ستمی کشیدند؛ رنجی بردند؛ دلی سوزاندند؛ اشکی ریختند و انتظاری کشیدند و کسانی که با مشاهده ناملازمات، در طول حیات خود و در هر نقطه‌ای از عالم و حتی در نقطه‌ای از تاریخ مصیبتی تحمل کرده‌اند؛ است. همه آنها در مثل چنین روزی و به یاد امروز، احساس شادمانی و امید و نشاط کرده‌اند... روز ولادت، برای همه بشر و تاریخ حتی برای گذشتگان عید است. کسانی که در دوران تاریک فرعون‌ها، نمرودها، ابوجهل‌ها و سلاطین ظالم، در فقر و ظلم و تبعیض سر کردند و مردند و رنج کشیدند و روی خوبی ندیدند، امروز (نیمه شعبان) برای آنها هم عید است اگر روح آنها در عالم برزخ، از بعضی از تفضلاتی که پاره‌ای از ارواح برخوردارند، بهره‌مند باشند؛ یقیناً آنها هم مثل چنین روزی، شادی خواهند کرد. امروز با بقیه ایام و اعیاد تفاوت دارد. واقعا اگر ما امروز را «عید الله الاکبر» بنامیم، مبالغه و گزاف نیست.»^۲

^۱ حدیث ولایت ج ۱ ص ۴۴

^۲ حدیث ولایت ج ۳ ص ۹۷ تا ۹۹

۲- برگزاری ادعیه‌ی خاص حضرت :

در حقیقت، دعا و توسل، دو نیاز آدمی و دو بال پرواز او برای فرار از دل مردگی حاکم بر فضای زندان دنیا هستند. همین امر، انسان را بر آن می‌دارد تا در پی دستیابی به عواملی باشد که او را در راه درک مفاهیم ادعیه و زیارت، یاری می‌رسانند. در یک کلمه باید گفت، ترتیب و فراز و نشیب دعا با نیازهای پیچیده‌ی روح انسانی، هماهنگ است. شایسته است که همه منتظران امام عصر(عج) که امیدوارند شاهد ظهور آن حضرت باشند، بیش از پیش به دعا و توسل برای تعجیل فرج روی آورند و آتش سوزان سینه خود را با خنکای دعا‌های دلنشینی همچون دعای عهد، دعای ندبه، زیارت آل یاسین و دیگر ادعیه و توسلات، آرامش بخشند.

باشد تا خداوند رحمان بر همه ما ترحم کند و ظهور پربرکت آن امام انس و جان را نزدیک سازد. این رسالت نیز در بیانات مقام معظم رهبری چنین تجلی یافته است:

« ما همیشه - مخصوصا در روزهای جمعه - توسل و توجه‌مان را به ولی عصر فراموش نکنیم. امام زمان (عج) امانت و گوهر درخشنده عظیم آفرینش در میان ما، امروز بی گمان بیش از هر زمان، متوجه و مراقب این ملت است. »^۱

۳- توجه به اماکن ویژه‌ی حضرت مهدی (عج) :

مسجد جمکران، در حال حاضر، میعادگاه میلیون‌ها انسان عاشق و علاقه‌مندی است که به شوق دیدار و توسل و ایجاد ارتباط در آن گرد هم می‌آیند تا با مقتدای خویش تجدید میثاق کنند.

۴- صدقه دادن به قصد سلامتی امام عصر (عج)

صدقه دادن برای سلامتی حضرت، از جمله رسالت هائی است که منتظران آن امام بزرگوار، در عصر غیبت بر عهده دارند. بدون شک، آن حضرت بی‌نیاز از آن است که منتظران، برای سلامتی‌اش صدقه

^۱ حدیث ولایت ج ۴ ص ۴۶

بدهند، ولی ابراز ارادت به آن بزرگوار و اعلام تبعیت از آن حضرت، نشانه‌ها و علایمی دارد که از آن جمله می‌توان علاقه به سلامتی حضرت‌اش را عنوان کرد. هدیه دادن ثواب اعمال مستحب به آن امام شریف، از دیگر مصادیق ابراز ارادت به آن حضرت است. در زندگی روزمره، هدیه و چشم روشنی، گذرگاهی برای اعلام دوستی و نیز رفع کدورت‌ها است. هدیه کردن پاداش اعمال به امام عصر علیه السلام منحصر به ثواب نماز نیست، بلکه ثواب و پاداش هر عمل خیری را می‌توان مشمول این نکته قرار داد.

هدیه‌ی پاداش اعمال نیک به ساحت قدسی حضرت مهدی علیه السلام امر پیچیده‌ای نیست و به مقدمات عریض و طویلی نیاز ندارد، بلکه همین که انسان نیت کند ثواب فلان عمل نیک، هدیه‌ای به امام عصر علیه السلام باشد، کفایت می‌کند. هدیه دادن پاداش اعمال نیک به حضرت ولی عصر علیه السلام، قبولی و ازدیاد پاداش را به دنبال می‌آورد.

۵- توجه به نظارت حضرت در شب‌های قدر بر کارنامه‌ی سالیانه‌ی افراد :

شب قدر، همان شبی است که در تمام سال، شبی به خوبی و فضیلت آن نمی‌رسد و عمل در آن، بهتر از عمل در هزار ماه است. در آن شب، امور سال، مقدر می‌شود و ملائکه و روح - که اعظم ملائکه است - به اذن پروردگار، در آن شب به زمین نازل می‌شوند و به خدمت امام زمان علیه السلام مشرف می‌شوند و آن چه برای هر کس مقدر شده است، بر امام علیه السلام عرضه می‌دارند.

۶- توسل‌های جمعی به حضرت مهدی (عج) :

در توسل‌ها که واژه‌ی شفیع به کار می‌رود، ابعاد فردی و شخصی و انسانی آن در نظر گرفته می‌شود، اما هنگامی که واژه‌ی منجی و موعود به کار می‌رود، رسالت اجتماعی در نظر گرفته می‌شود. «منجی» جمع و جامعه و روابط اجتماعی و... را نجات می‌دهد. چون در روابط اجتماعی، تعدی وجود دارد، استعمار و استعباد به وجود می‌آید و عده‌ای، برای همیشه، از حقوق انسانی محروم می‌شوند.

۷- درک و شناخت لزوم تقوا برای درک مسائل مهم و معتبر دینی در مقابل هوی و هوس

۸- پیروی از علمای راستین که مصداق نایبان عام امام زمان (عج) هستند.

۹- شناخت و درک این نکته که در دوره غیبت وظیفه دارند، در اصلاح خود بکوشند و به اخلاق اسلامی آراسته گردند، وظایف فردی و احکام و دستورهای قرآن را عمل کنند.

۱۰- آگاهی به وظیفه خود در دوره غیبت مبنی بر این که دستورهای اجتماعی اسلام را استخراج و بین خود به طور کامل اجرا کنند تا نتایج درخشان آن عملاً در پیش جهانیان مجسم گردد.

ب- وظایف اجتماعی زمینه سازی ظهور در حیطه حکومتی:

مسئله‌ای اعتقادی نیست، بلکه از بعد اجتماعی نیز برخوردار است. هنگامی که مهدویت، تنها مجموعه‌ای می‌شود بر اساس متون روایی، اعتقاد به وجود و ظهور مهدی (عج)، ضروری است، مشخص دانشی، به همراه، تحولات هیجانی، دانشی برای افراد فراهم شده است، اما هنگامی که این مجموعه‌ی آن، افراد می‌کوشند خود را برای یآوری امام مهدی (عج) عاطفی و عملی معینی را ایجاد می‌کند که زمینه مهدویت آشکار می‌گردد مهیا سازند، چهره‌ی اجتماعی

ایجاد نگرش مثبت نسبت به مباحث مهدوی ارائه اطلاعات صحیح است، پس مهم‌ترین گام برای عهده‌دار انتقال این اطلاعات هستند از صلاحیت‌های لازم شناختی، عاطفی و عملکردی باید افرادی که تلقی افراد جامعه را برخوردار باشند تا بتوانند با ارائه اطلاعات اصولی، صحیح و سنجیده، نگرش و یا طرز مؤثرترین وظیفه اجتماعی برای نسبت به مباحث مهدویت در جهت مثبت تغییر دهند و این مهم‌ترین و زمینه سازی ظهور است.

۱- تلاش حکومت اسلامی در جهت تقویت علم و بصیرت در دین افراد جامعه، در مقابل کج اندیشی‌ها و برداشت‌های غلط از مفاهیم دینی از جمله انتظار و مهدویت

- ۲- گسترش علم و بصیرت در حوزه سیاست و اجتماع برای تشخیص دوستان و دشمنان و روشن شدن عملکرد سیاست بازان در حیطه مسائل دینی بویژه مسئله انتظار و مهدویت
- ۳- کمک در تبیین و روشنگری اندیشمندان و علما در حوزه مسائل دینی و سیاسی و اجتماعی
- ۴- انجام اقداماتی برای به حاشیه راندن تفکرات متحجرانه و جمودگرا
- ۵- تقویت دیدگاه انتظار به معنای فراهم آوردن زمینه‌های ظهور، ظلم‌ستیزی به مقدار توان و آمادگی برای ظهور امام زمان (عج)
- ۶- روشن شدن مسأله امداد غیبی و جایگاه آن در قیام امام زمان (عج) برای مبارزه با دیدگاه حل معجزه آسای امور
- ۷- کمک به فرآیند روشنگری توسط اندیشمندان و مراکز علمی و پژوهشی در این زمینه که جنگ تنها با کسانی است که جز زبان زور چیزی نمی‌فهمند، نه عموم مردم که با جان و دل سراغ حضرت می‌آیند.
- ۸- ایجاد تعادل در خوف و رجا و مبارزه با افراط و تفریط در زمینه انتظار و مهدویت
- ۹- روشنگری توسط اندیشمندان در موضوعات مرتبط با مهدویت و ذکر مسایل مهم و کاربردی و تبیین وظایف.
- ۱۰- حساسیت حکومت اسلامی نسبت به عوام فریبان و ورود خرافات به ساحت دین و مقوله‌های دینی نظیر مهدویت.
- ۱۱- تفهیم این نکته به مردم در تسلیم اراده و حکمت الهی بودن همراه با آرزوی ظهور و داشتن آمادگی جهت جلوگیری از هر گونه شتاب زدگی در امر انتظار

۱۲- تبیین و روشنگری اندیشمندان نسبت به عواقب تعجیل و آثار صبر و تسلیم و رضا و تذکر به این نکته که مهم، انجام وظیفه و حرکت در این مسیر و معرفت به امام و راه و مرام او است، چرا که با چنین حالتی، ظهور مقدم شود یا به تأخیر افتد، هیچ ضرری نمی کنیم

۱۳- تکذیب تعیین وقت ظهور از سوی هر کس با هر مقام و جایگاهی که دارد

۱۴- کار کارشناسی در مورد علایم و ویژگی های امام زمان (عج) و قیام آن حضرت توسط علما و اندیشمندان

۱۵- توجه و رویکرد به منابع اصیل، معارف ناب دین در پرتو مراجعه به علمای راستین برای روشن شدن این مطلب که بسیاری امور مطلوب و خوب هستند، اما خدای متعال آن ها را به عنوان وظیفه بر دوش انسان نهاده (مانند ملاقات حضرت ولی عصر(عج)) یا این که در میان تکالیف و وظایف دینی رتبه بندی وجود دارد و در مقام عمل، لازم است به درجه اهمیت و ضرورت آن ها توجه شود. و توجه به این امر که در میان وظایفی مانند تقوا، خودسازی، تکالیف اجتماعی، انتظار و ... ملاقات چه جایگاهی دارد

۱۶- علم و بصیرت دینی و سیاسی علما، اندیشمندان، دولت مردان و مردم همراه با روشنگری علما و اندیشمندان در جهت تکذیب منحرفان و برخورد دولتمردان جامعه اسلامی (مثل برخورد امیرکبیر با باییت)

۱۷- عدم تسامح و اغماض در برخورد با انحرافات و بدعت ها.

۱۸- هوشیاری در مقابل غرض ورزی ها و سیاست زدگی ها.

۱۹- تربیت نیروهای روشمند و آشنا به آخرین فن آوری اطلاع رسانی برای رساندن پیام مهدویت با بهترین و مؤثرترین روش ها و شیوه های تربیتی به نسل جوان و افراد جامعه.

فصل چهارم

نتیجه گیری

از تمام این سخنانی که در مقاله مطرح شد غایتش این است که همه ما به نوبه ی خود در قبال امام زمان خود وظایفی داریم که باید به آنها آگاه باشیم حال چه فردی ، چه فرهنگی و چه اجتماعی

هدف از فهمیدن وظایف در حیطه های مختلف موجب می شود هر انسانی توانایی های خود را با آن وظایف مخصوصا اجتماعی و فرهنگی بسنجد و یک طرف سکان این کشتی را به دست بگیرد و با همراهی دیگران آن را به سر منزل مقصود برساند.

رسیدن به آن مقصد نیازمند فراهم آمدن زمینه هایی است مقام معظم رهبری فرمودند:

« برای ظهور مهدی موعود (عج) زمینه باید آماده بشود و آن عبارت از عمل کردن به احکام اسلامی و حاکمیت قرآن و اسلام است. پس می شود زمینه ها را فراهم کرد. وقتی یک چنین زمینه هایی گسترش پیدا کند، زمینه ظهور حضرت بقیه الله ارواحنا فداه نیز پدید می آید و مساله مهدویت آن آرزوی دیرین بشر و مسلمین تحقق پیدا می کند.»^۱

مرحوم آیت الله بهجت میفرمودند: «هرکس باید در فکر خود باشد و راهی برای ارتباط با حضرت حجت علیه السلام و فرج شخصی خود پیدا کند، خواه ظهور آن حضرت دور باشد یا نزدیک. با اینکه ارتباط و وصل با آن حضرت امر اختیاری ماست با این حال چرا اهمیت نمیدهیم که چگونه با آن حضرت ارتباط برقرار کنیم؟ و از این مطلب غافل هستیم، اگر به اصلاح خود نپردازیم و خود را آماده نکنیم و وظایف خود را انجام ندهیم بیم آن است که در ظهور آن حضرت از او فرار کنیم، چون راهی که می رویم راه کسانی است که اهم و مهمی قائل نیستند.»^۲

^۱ حدیث ولایت ج ۱ ص ۱۱۲

^۲ در محضر بهجت ج ۲ شماره ۱۹۵

پس همه باید بکوشیم تا این امر الهی که سالیانه درازی است که بشر از آدم تا به امروز منتظر آن است به ثمر بنشیند. و ان شاء الله که ما بتوانیم جزء عمل کنندگان به وظایفمان و جزء زمینه سازان ظهور آن بزرگوار باشیم.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم

۲. نهج البلاغه، شریف الرضی، محمد بن حسین، صالح صبحی، هجرت، قم، ۱۴۱۴ق

۳. آماده باش یاران امام زمان علیه السلام، گنجی، حسین، مهدی جویان، قم، ۱۳۹۰

۴. الکافی، کلینی، محمد بن یعقوب، غفاری، علی اکبر و آخوندی، محمد، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ق

۵. الکافی، کلینی، محمد بن یعقوب، دار الحدیث، قم، ۱۴۲۹

۶. اقبال الاعمال، ابن طاووس، علی بن موسی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۹ق

۷. الزام الناصب، یزدی حائری، علی، عاشور، علی، مؤسسه الاعلی، بیروت، ۱۴۲۲ق

۸. الطرائف فی معرفه مذاهب، ابن طاووس، علی بن موسی، عاشور، علی، خیام، قم، ۱۴۰۰ق

۹. الغیبه النعمانی، ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم، غفاری، علی اکبر، نشر صدوق، تهران، ۱۳۹۷ق

۱۰. العین، فراهیدی، خلیل بن احمد، مخزومی، مهدی و سامرائی، ابراهیم، انتشارات هجرت، قم

۱۱. الصحاح، جوهری، اسماعیل بن حماد، عطار، احمد بن عبدالغفور، دارالعلم للملایین، بیروت، ۱۳۷۶ق

۱۲. انوار العرفان، عارف اسفراینی، اسماعیل بن قربانعلی، نظری توکلی، سعید، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۳

۱۳. الامام مهدی من المهد الى الظهور، القزوينی، سيد محمد كاظم، مؤسسه الوفاء، قم
۱۴. انتظار عامیانه عالمانه عارفانه، پناهیان، علیرضا، بیان معنوی، قم
۱۵. انتظار، صفائی حائری، علی، ليله القدر، قم، ۱۳۸۲
۱۶. بحار الانوار، مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی، جمعی از محققان، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ق
۱۷. به سوی حکومت جهانی امام مهدی، حصارى، علی اکبر، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۱
۱۸. تاج العروس، مرتضی زبیدی، محمد بن محمد، شیرى، علی، دارالفکر، بیروت، ۱۳۰۷ق
۱۹. تفسیر البرهان، بحرانی، هاشم ابن سلیمان، بنیاد بعثت، مؤسسه البعثه، قم
۲۰. تهذیب الاحکام، طوسی، محمد بن حسن، خراسان، حسن الموسوی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ق
۲۱. جستارهایی در مهدویت، کارگر، رحیم، مرکز تخصصی مهدویت، قم، ۱۳۶۸
۲۲. حیات فکری سیاسی امامان شیعه، جعفریان، رسول، انصاریان، قم
۲۳. حدیث ولایت، خامنه ای، سید علی، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۸۵
۲۴. خانواده در اسلام، بهشتی، احمد، انتشارات اولیاء و مربیان، تهران، ۱۳۸۶
۲۵. سیره پیشوایان، پیشوایی، مهدی، مؤسسه امام صادق، قم، ۱۳۸۱
۲۶. فرهنگ معین، معین، محمد، امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۴
۲۷. کمال الدین و تتم النعمه، ابن بابویه، محمد بن علی، غفار یفعلی اکبر، اسلامیه، تهران، ۱۳۹۵ق
۲۸. لسان العرب، ابن منظور، محمد بن مکرم، دار صادر، بیروت، ۱۳۷۶ق

۲۹. مفاتیح الجنان، قمی، شیخ عباس، انتشارات امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم، ۱۳۹۰ ش

۳۰. منتخب الاثر، صافی گلپایگانی، لطف الله، مؤسسه السیده المعصومه، قم، ۱۳۸۰

۳۱. مهدویت، کارگر، رحیم، دفتر نشر معارف، قم

۳۲. مکیال المکارم، اصفهانی، محمد تقی، حائری قزوینی، مهدی، کامکار، قم، ۱۳۸۷

۳۳. موعود نامه، تونه ای، مجتبی، میراث ماندگار، قم، ۱۳۸۹

۳۴. وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، مؤسسه آل البيت، قم، ۱۴۰۹ ق